

عنوان مقاله:

افلاطون، اینهمانی و فضیلت

محل انتشار:

دوفصلنامه متافیزیک، دوره 8، شماره 21 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

ناصر مومنی - دانشجوی مقطع دکتری، گروه فلسفه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رضا داوری اردکانی - عضو هیات علمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

که فاقد بعد و بار معرفتی و وجودی است؛ لذا با توجه به این اصل هیچ چیز نمی تواند چیز دیگری باشد. در تفکر یونان این همانی خصیصه ای انگاشته می شد که به کمک آن وجود ادراک می گردد. در تفکر افلاطون که تلاش دارد جامعه ای جدید مبتنی بر تفکر فلسفی بنیان نهد و چنین تفکر عقلانی را فضیلتی انگارد که هم آن وصول و حصول ایده خیر است، این همانی از جایگاه مهمی برخوردار است. لذا امکان حمل در گزاره سقراطی « فضیلت شناسایی است » تنها در صورتی مقدور است (چیزی چون فضیلت، چیز دیگری چون شناسایی باشد) که این همانی نه به عنوان با خود همان بودن هر چیز، بلکه به عنوان خاصیتی لحاظ گردد که ذات و ماهیت موجودات را تشکیل دهد. لذا افلاطون باید میان همانی (sameness) و این همانی (identity) تمایز قائل شود؛ تمایزی که نادیده انگاشتن آن باعث سوءفهم مهم ترین آموزه افلاطون یعنی ایده ها و نسبت آن ها به یکدیگر (و نسبت به مصادیق خود) می شود. تلاش می شود نشان داده شود: الف) این گزاره که فضیلت شناسایی است، چه ربط و نسبتی با این همانی دارد؛ ب) این همانی نزد افلاطون چگونه مفهومی است

کلمات کلیدی:

همانی، این همانی، فضیلت، افلاطون

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1274235>

